



Identifying and Ranking the Important Textual and Paratextual Elements in Fiction Retrieval

Sakineh Ghasempour

PhD Student of Knowledge and Information Science,
Faculty of Education & Psychology, Tehran, Iran
s.ghasempour@gmail.com

Zoya Abam (Corresponding Author)

Assistant Prof., Department of Knowledge and Information Science,
Alzahra University, Tehran, Iran
zoya.abam@alzahra.ac.ir

Roya Baradar

Associate Prof., Department of Knowledge and Information Science,
Alzahra University, Tehran, Iran
rbaradar@alzahra.ac.ir

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to identify the textual and paratextual elements in retrieving fiction from the readers' perspective in order to provide the most appropriate access points for the readers and to improve access to fictions based on the readers' needs.

Method: The current research is an applied study in terms of purpose, applying a mixed method that was conducted using the sequential exploratory strategy. The statistical population in both stages of the study were readers of fiction literature who were selected by purposive sampling strategy. In the first stage of the study, 14 fiction readers participated in a semi-structured interview. The collected data were coded and analyzed based on the six-step content analysis framework of Brown and Clark using MAXQDA software (2018 version). In the second stage, the opinions of 12 experts in the field of fiction were used to weigh and determine the importance of each textual and paratextual element. The data collection tool at this stage was a pairwise comparison questionnaire designed based on a 9-point scale. Expert Choice software (version 11) was used to analyze the data in this stage.

Findings: According to the results of the first stage of this study, 24 textual and paratextual elements in the form of 6 main themes were identified by a thematic analysis of the interviews. Then, according to experts, 19 of these extracted elements were selected as important elements in fiction retrieval. In general, the results confirmed that from the readers' point of view, textual

and paratextual elements could be useful in understanding, evaluating, determining and selecting sources, and help fiction readers to find relevant fictions. By use of textual and paratextual elements of fiction to enrich library catalogues and create several access points, we can improve fiction retrieval. Therefore, it is suggested that these elements be used in the design and development of retrieval systems in libraries in order to increase the efficiency of these systems and enable successful search and retrieval for fiction readers.

Originality/value: The results of this study provide a starting point for the development and design of fiction search and retrieval systems based on the needs of the reader. By using both textual and paratextual elements of fiction to enrich library catalogs and create several access points, we can develop and improve search and retrieval systems and increase the efficiency of this systems in retrieving fictions which readers want.

Keywords: Textual elements, Paratextual elements, Fiction, Retrieval

Citation: Ghasempour, S., Abam, Z., & Baradar, R. (2021). Identifying and Ranking the Important Textual and Paratextual Elements in Fiction Retrieval. *Research on Information Science & Public Libraries*. 27(1), 135-157.

Research on Information Science and Public Libraries, 2021, Vol.27, No.1, pp. 135-157

[DOR: 20.1001.1.26455730.1400.27.1.4.0](https://doi.org/10.26455730.1400.27.1.4.0)

Received: 7th September 2020; Accepted: 31th October 2020

Article Type: Research-based

© Iran Public Libraries Foundation



شناسایی و رتبه‌بندی عناصر متنی و پیرامنتی مهم در بازیابی داستان

سکینه قاسم‌پور

دانشجوی دکتری، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران
s.ghasempor@gmail.com

زویا آبام (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران
zoya.abam@alzahra.ac.ir

رؤیا برادر

دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران
rbaradar@alzahra.ac.ir

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی عناصر متنی و پیرامنتی مهم در بازیابی داستان از دیدگاه خواننده است تا بر اساس آن مناسب‌ترین نقاط دسترسی برای خواننده فراهم شود و دسترسی به منابع داستانی متناسب با نیاز خواننده بهبود یابد.

روش: پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر رویکرد از نوع ترکیبی بوده و با راهبرد متوالی اکتشافی انجام گرفت. مرحله اول از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت یافته فردی با ۱۴ نفر از خوانندگان داستان انجام گرفت و داده‌های گردآوری شده با روش تحلیل مضمون کدگذاری و تحلیل شد. در ادامه، برای رتبه‌بندی عناصر شناسایی شده در مرحله اول، پرسش‌نامه مقایسه زوجی در اختیار ۱۲ نفر از متخصصان حوزه ادبیات داستانی قرار گرفت و پس از گردآوری داده‌ها از روش تحلیل سلسله‌مراتبی برای تحلیل استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس تحلیل مضمون مصاحبه‌های انجام گرفته در مرحله اول پژوهش، ۲۴ عنصر متنی و پیرامنتی در قالب ۶ مضمون اصلی استخراج شد. در ادامه، بر اساس نظر خبرگان، ۱۹ عنصر از عناصر استخراج شده به عنوان عناصر متنی و پیرامنتی مهم در بازیابی داستان شناسایی شدند که می‌توانند در درک، ارزیابی، تصمیم‌گیری و انتخاب داستان تأثیر داشته و به جست‌وجوگران در بازیابی کتاب‌های داستانی مرتبط کمک کنند.

اصالت/ارزش: استفاده از عناصر متنی و پیرامنتی برای غنی‌تر کردن ابرداشته‌های فهرست‌های کتابخانه‌ها و نیز به کار بردن آن‌ها به عنوان نقاط دسترسی در نظام‌های جست‌وجو و بازیابی اطلاعات

موجب توسعه و بهبود این نظام‌ها و افزایش کارایی آن‌ها در بازیابی منابع داستانی متناسب با نیاز خوانندگان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: عناصر متنی، عناصر پیرامنتی، ادبیات داستانی، بازیابی

استناد: قاسمپور، سکینه؛ آدام، زویا؛ و برادر، رویا (۱۴۰۰). شناسایی و رتبه‌بندی عناصر متنی و پیرامنتی مهم در بازیابی داستان. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. ۲۷(۱)، ۱۳۵-۱۵۷.

تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی. دوره ۲۷، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۷

[DOR: 20.1001.1.26455730.1400.27.1.4.0](https://doi.org/10.26455730.1400.27.1.4.0)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

مقدمه

برخلاف متون علمی و غیرداستانی که موضوع محور هستند، داستان مفهوم محور است (دومورایز^۱ و باتیستا^۲، ۲۰۱۲)؛ به عبارت دیگر، به این دلیل که خوانندگان معمولاً قضاوت‌های خود را دارند، تفسیر محتوای داستان همواره ذهنی است. یک داستان معمولاً از موضوع‌های مختلفی تشکیل شده که هریک می‌تواند مورد توجه یک خواننده خاص قرار گیرد و بخشی از پاسخ به این سؤال باشد که داستان درباره چیست. به علاوه، ساختار و شیوه نگارش متون داستانی با متون علمی متفاوت است؛ برای مثال، داستان چکیده ندارد و در هیچ بخشی از داستان بر مفاهیم اصلی تأکید نشده است. بنابراین، برخلاف منابع علمی و غیرداستانی، تصمیم‌گیری در مورد اختصاص یک موضوع خاص به داستان دشوار است.

از سوی دیگر، برای خوانندگانی که به دنبال خواندن داستان به قصد لذت در اوقات فراغت هستند، موضوع لزوماً به عنوان عامل اصلی انتخاب کتاب به شمار نمی‌آید (سارتی^۳، ۲۰۱۹). در یک اثر داستانی علاوه بر موضوع، واژه‌ها و عبارات نیز بسیار مورد توجه نویسنده قرار می‌گیرند و نویسنده تلاش می‌کند تا با کمک آن‌ها بر کشش و جاذبه متن بیفزاید و بدین ترتیب خواننده را تا آخر داستان با خود همراه کند. گاه درنگ در واژه‌ها و رنگ و آهنگ بخشیدن به عبارات به قدری برای نویسنده مهم می‌شود که به اندازه موضوع و حتی پررنگ‌تر از آن، محور قلم نویسنده قرار می‌گیرد و در نتیجه خواننده در برخورد با اثر ادبی و شاعرانه درگیر روابط و شبکه‌های زیبایی‌شناسانه متن می‌شود؛ یعنی در عین پرداختن به موضوع (مقصد)، راه را نیز فراموش نمی‌کند. اگرچه ممکن است موضوع برای برخی از خوانندگان اهمیت داشته باشد، اما همان‌طور که سارتی (۲۰۱۹) نیز اشاره کرده است بیشتر خوانندگان داستان فقط به دنبال یک داستان خوب و تجربه احساسی خاصی هستند که می‌خواهند از خواندن داستان آن را به دست بیاورند.

به دلیل ماهیت خاص منابع داستانی، دسترسی به این منابع در اغلب نظام‌های جست‌وجو و بازیابی که در کتابخانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، تنها از طریق نقاط دسترسی نظیر نویسنده، عنوان، زبان یا دوره‌ای که داستان در آن خلق شده امکان‌پذیر است. اگرچه ممکن است چنین

1. de Moraes 2. Batista 3. Saarti

نظامی برای کاربرانی که کتاب داستانی خاصی در ذهن دارند و نام نویسنده یا عنوان آن را می‌شناسند ابزار مناسبی باشد، برای خوانندگانی که به دنبال کتاب خاصی نیستند چندان کارآمد نیست؛ چراکه زمانی که خواننده تصویر روشنی از آنچه می‌خواهد در ذهن ندارد ناگزیر است میان کتاب‌ها جست‌وجو کند تا به صورت تصادفی کتاب مناسبی را متناسب با ذائقه خود پیدا کند و چنین وضعیتی برای خواننده‌ای که در کشمکش برای لذت بردن از خواندن است می‌تواند بسیار ناامیدکننده باشد.

با وجودی که در دهه‌های اخیر مطالعه در خصوص منابع داستانی مورد توجه پژوهشگران علم اطلاعات قرار گرفته و تلاش‌های بسیاری در این زمینه انجام گرفته است تا ویژگی‌هایی از داستان را که به بهترین شکل توصیف‌کننده محتوای آن باشد تعیین کنند؛ اما در بیشتر این پژوهش‌ها، به جای توجه به خواننده و نیازهای او، بر خود کتاب تمرکز شده است. از آن جمله می‌توان به پژوهش بیتول^۱ (۱۹۹۴) اشاره کرد. او در پژوهش خود دریافت سرعنوان‌های موضوعی و نشانه‌های رده‌بندی اطلاعات محدودی ارائه می‌دهند و توصیف داستان در نظام‌های رده‌بندی معمول امکان‌پذیر نیست. بیتول پس از تحلیل چندین نظام طبقه‌بندی کتاب‌شناختی و محتوای داستان از جمله جی‌اس‌ای‌اف‌دی، که توسط انجمن کتابداران آمریکا در سال ۱۹۹۰ و با هدف توصیف موضوعی داستان ارائه شده بود، یک نظام تجربی تحلیل داستان^۲ توسعه داد و چهار ویژگی شخصیت، وقایع، مکان و زمان را به عنوان دسته‌بندی بنیادی برای داستان به کار برد.

سارتی (۲۰۰۰) نیز با هدف ایجاد یک طبقه‌بندی از جنبه‌های مورد استفاده در توصیف محتوای داستان، نحوه توصیف محتوای داستان به ویژه رمان‌ها را توسط مراجعان و کتابداران کتابخانه‌های عمومی با رویکرد کیفی مورد بررسی قرار داد. نمونه او بسیار کوچک و شامل ۵ رمان و ۱۵ خواننده در هر گروه بود. سارتی عناصری نظیر شخصیت‌ها و روابط میان آن‌ها، حوادث، زمان و مکان داستان را در محتوای چکیده‌های هر دو گروه یافت و بنابراین نتیجه گرفت این ویژگی‌ها برای توصیف محتوای داستان و قرار گرفتن در فهرست کتابخانه مناسب هستند.

1. Beghtol

2. EFAS

آدکینز^۱ و بوسالر^۲ (۲۰۰۷) نقاط دسترسی ۲۱ داستان را در دو کتاب‌فروشی آنلاین، دو پایگاه مشاوره خوانندگان و دو فهرست کتابخانه به‌منظور مقایسه این منابع و شناسایی نقاط دسترسی به داستان با رویکرد کیفی و به‌روش تحلیل محتوا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که ژانر، مکان، زمان و توصیف شخصیت‌ها در همه منابع کاملاً متداول بوده است. با این حال، کتاب‌فروشی‌های آنلاین به دلیل استفاده از نقاط دسترسی بیشتر برای داستان‌ها و پایگاه‌داده‌های مشاوره آنلاین به دلیل اینکه که حاوی نقدها و نظرات خوانندگان هستند نسبت به فهرست‌های کتابخانه که بیشتر روی ویژگی‌های عینی کتاب‌ها مانند نویسنده، عنوان و ملیت تمرکز دارند ابزار مؤثرتری به نظر می‌رسند.

اسپیتری^۳ و همکارانش (۲۰۱۶) اطلاعات مربوط به ۲۲ عنوان کتاب داستانی را در فهرست ۴۳ کتابخانه عمومی کانادا و ۴۳ شبکه اجتماعی برای شناسایی نقاط دسترسی به داستان مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد اطلاعاتی نظیر مکان وقوع داستان و یا تأثیرات احساسی داستان بر خواننده (برای مثال، خسته‌کننده، یا خنده‌دار) که در محتوای تولیدشده توسط خوانندگان درباره کتاب‌های داستانی ارائه می‌شود بهتر از سرعنوان‌های موضوعی که توسط کارمند کتابخانه به منبع اختصاص می‌یابد منعکس‌کننده نیازهای خواننده است. از این رو، این فراداده‌ها می‌توانند به عنوان نقاط دسترسی اضافی برای کمک به خواننده به خدمت گرفته شوند تا بتواند کتاب‌های موردعلاقه خود را جست‌وجو کرده و بازیابی کند.

علاوه بر مواردی که ذکر شد، مطالعاتی به‌صورت پراکنده در زمینه ارزیابی ربط توسط افرادی نظیر روتر^۴ (۲۰۰۷)، ساپرل^۵ (۲۰۱۳)، دالی^۶ (۲۰۱۴)، کولن^۷، بوگرس^۸، بوش^۹ و کمپس^{۱۰} (۲۰۱۵)، میکونه^{۱۱} و واکاری^{۱۲} (۲۰۱۶) در حوزه بازیابی داستان‌ها انجام گرفته است که نشان می‌دهد ویژگی‌هایی نظیر جذابیت‌های ظاهری کتاب، سبک نگارش و جوایزی که یک اثر دریافت کرده است حتی فهرست سایر آثار نویسنده و ناشر در قضاوت‌های ربط خوانندگان داستان تأثیر دارد. در اصطلاح ادبی، از این عناصر با عنوان پیرامتن^{۱۳} یاد می‌شود.

برخلاف عناصر متنی که ساختار یک داستان را تشکیل می‌دهند (میرصادقی، ۱۳۹۵)، همان گونه که ژنت^{۱۴} (۱۹۹۷) بیان کرده است، عناصر پیرامنتی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده

- | | | | | |
|-------------|--------------|--------------|-------------|------------|
| 1. Adkins | 2. Bossaller | 3. Spiteri | 4. Reuter | 5. Sauperl |
| 6. Dali | 7. Koolen | 8. Bogers | 9. Bosch | 10. Kamps |
| 11. Mikkone | 12. Vakkari | 13. Paratext | 14. Genette | |

متن یک داستان محسوب نمی‌شوند. بر اساس تعریف ژنت، هر متن ادبی از دو خصیصه مهم متن و پیرامتن تشکیل شده است؛ شخصیت، زمان، مکان و ژانر همگی جزء عناصر متنی محسوب می‌شوند و داستان‌نویس با کمک این عناصر به آفرینش پیکره داستان می‌پردازد. اما عناصر پیرامتنی جزء متن محسوب نشده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم یک متن ادبی را در بر گرفته‌اند. این عناصر که طیف وسیعی را شامل می‌شوند، به نوعی بر خواننده و قضاوت‌های او تأثیر دارند و می‌توانند به درک کامل متن کمک کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که بتوانند در بهبود دسترسی به داستان نقش داشته باشند.

به طور کلی، بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود تمام تلاش‌هایی که به منظور دسترس‌پذیری منابع داستانی در کتابخانه‌ها صورت گرفته و مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، در درک ما در خصوص ویژگی‌هایی که بتواند واقعیت داستان را منعکس کرده و به خواننده در بیان بهتر نیاز خود و برآورده کردن آن کمک کند شکاف وجود دارد. تمرکز بیشتر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است روی عناصر متنی نظیر شخصیت‌ها و زمان و مکان بوده و از آن‌ها به عنوان معیارهای مناسب برای توصیف منابع داستانی و کمک به بهبود بازیابی به داستان یاد شده است و با وجود تأثیری که عناصر پیرامتنی در درک، ارزیابی، تصمیم‌گیری و انتخاب ادبیات داستانی دارند، به این عناصر و بررسی نقش آن‌ها در جست‌وجو و بازیابی موفقیت داستان توجهی نشده است. هرچند پژوهش‌هایی در زمینه پیرامتن انجام شده است، اما بیشتر این پژوهش‌ها در حوزه ادبیات و با هدف بررسی نقش این عناصر در درک معنا توسط خواننده انجام گرفته است تا تأثیر این عناصر بر خواننده و نقشی که می‌توانند در جست‌وجو و بازیابی ادبیات داستانی داشته باشند. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مؤید آن است که ترکیب این دو مفهوم (عناصر متنی و پیرامتنی) کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. با توجه به خلأهایی که در زمینه دسترسی به منابع داستانی در کتابخانه‌ها وجود دارد و به آن‌ها اشاره شد، پژوهش حاضر در تلاش است به بررسی، شناسایی و اولویت‌بندی عناصر متنی و پیرامتنی تأثیرگذار در بازیابی ادبیات داستانی از دیدگاه خواننده بپردازد تا بر اساس آن مناسب‌ترین نقاط دسترسی را برای خواننده فراهم کرده و دسترسی به منابع داستانی بر اساس نیاز خواننده را بهبود بخشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر رویکرد از نوع ترکیبی (آمیخته)^۱ است و بر اساس نوع‌شناسی طرح‌های ترکیبی کراسول^۲ و همکاران (۲۰۰۳) با راهبرد متوالی اکتشافی^۳ انجام گرفت. جامعه آماری در هر دو مرحله از پژوهش خوانندگان ادبیات داستانی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند^۴ انتخاب شدند؛ به این صورت که انتخاب نمونه‌ها در این مرحله ارادی و در راستای اهداف پژوهش بود و نمونه‌هایی انتخاب شدند که سازگار و هم‌سو با اطلاعات موردنیاز برای پژوهش بوده و بینش کاملی را نسبت به سؤالات پژوهش فراهم کنند. بر همین اساس، در مرحله اول که به روش کیفی انجام گرفت پژوهشگر به سراغ خوانندگان فعال^۵ ادبیات داستانی رفته و از میان افرادی که به صورت مداوم کتاب داستانی می‌خوانند به روش هدفمند نمونه پژوهشی خود را انتخاب کرد. همچنین، این افراد به گونه‌ای انتخاب شدند که خوانندگان انواع داستان‌ها را در برگیرند. برای شناسایی این افراد، ضمن بررسی سابقه امانت آن‌ها در کتابخانه‌های عموم از کتابداران برای شناسایی این افراد کمک گرفته شد. تعداد هفت سؤال به روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته فردی^۶ از شرکت‌کنندگان پرسیده شد و مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۱۲۰ دقیقه به طول انجامید؛ به این صورت که از آن‌ها خواسته شد در خصوص بهترین کتابی که خوانده‌اند صحبت کنند و اینکه چه ویژگی‌هایی در آن کتاب وجود داشت که باعث شد از خواندن آن لذت ببرند. همچنین، در خصوص عواملی که موجب جلب توجه آن‌ها به سمت یک کتاب داستانی می‌شود و نیز ویژگی‌هایی از یک کتاب داستانی که در تصمیم‌گیری آن‌ها برای انتخاب تأثیر دارد پرسیده شد. در انتها، از آن‌ها خواسته شد در مورد تجارب ناخوشایند خود از خواندن کتاب داستانی و دلایل چنین تجربه‌ای صحبت کنند. بعد از مصاحبه با ۱۴ نفر از خوانندگان ادبیات داستانی و اطمینان از اشباع نظری، داده‌های گردآوری‌شده بر اساس چهارچوب تحلیل مضمون شش مرحله‌ای براون^۷ و کلارک^۸ (۲۰۰۶) طی شش مرحله آشنا شدن با داده‌ها، کدگذاری، جست‌وجوی مضامین، بررسی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین کدگذاری و تحلیل شد. با توجه به سازگاری خوب مکس کیودا^۹

1. Mixed method research
3. Exploratory Sequential Design
5. Active Readers
7. Braun

2. Creswell
4. Purposive Sampling
6. Ndividual Semi-Structured Interviews
8. Clarke 9. MAXQDA

با زبان فارسی، رابط کاربری مناسب و قدرت و انعطاف آن در کدگذاری، برای تحلیل داده‌های کیفی از این نرم‌افزار استفاده شد.

برای تعیین روایی و پایایی از ارزیابی لینکولن^۱ و گوبا^۲ (۱۹۸۵) و بر اساس چهار معیار اعتبارپذیری^۳، انتقال‌پذیری^۴، اطمینان‌پذیری^۵ و تأییدپذیری^۶ استفاده شد؛ به این ترتیب که برای کسب قابلیت اعتبار تلاش شد تا مشارکت کنندگان با حداکثر تنوع تجربیات انتخاب شوند و نمونه‌گیری تا رسیدن داده‌ها به مرحله اشباع ادامه یافت و مناسب‌ترین واحد معنایی انتخاب شد. پس از کدگذاری، متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده به مشارکت‌کنندگان ارائه شد و از آن‌ها درباره صحت و سقم آن نظرخواهی شد و در صورت داشتن هرگونه مغایرت، داده‌ها و کدهای اختصاص داده‌شده مورد بررسی مجدد قرار گرفت. برای افزایش میزان ثبات پژوهش از طولانی شدن انجام مصاحبه‌ها و زمان جمع‌آوری داده‌ها تا حد امکان خودداری و از همه مشارکت‌کنندگان راجع به یک موضوع پرسیده شد.

در مرحله دوم، به‌منظور وزن‌دهی و اولویت‌بندی یافته‌های حاصل از مرحله اول، از روش کمی تحلیل سلسله‌مراتبی^۷ استفاده شد. اگرچه روش تحلیل سلسله‌مراتبی به رویکردی از حل مسئله اشاره دارد که برای انتخاب یک گزینه از بین تعداد معدودی گزینه به کار برده می‌شود، ولی این روش یکی از روش‌های پرکاربرد برای رتبه‌بندی و تعیین اهمیت عوامل است (حبیبی، ایزدی‌ار و سرافرازی، ۱۳۹۳) و این امکان را فراهم می‌کند که تمامی عناصر به‌صورت دوجه‌دو با یکدیگر مقایسه شده و اولویت‌بندی شوند. بر همین اساس، از این روش برای رتبه‌بندی و تعیین اهمیت و وزن هریک از عناصر متنی و پیرامنی در مقایسه با یکدیگر استفاده شد. در خصوص تعیین حجم نمونه نیز با توجه به اینکه پرسش‌نامه تحلیل سلسله‌مراتبی خبره‌محور است، معمولاً حجم نمونه از ۱۰ تا ۲۰ نفر برای این روش کفایت می‌کند (حبیبی، ایزدی‌ار و سرافرازی، ۱۳۹۳). از این رو، برای انتخاب نمونه در این مرحله از پژوهش، ۱۲ نفر خبره با توجه به ویژگی‌های زیر انتخاب شدند:

- | | | |
|---------------------------------------|-------------------|------------------|
| 1. Lincoln | 2. Guba | 3. Credibility |
| 4. Transferability | 5. Confirmability | 6. Dependability |
| 7. AHP (Analytical Hierarchy process) | | |

- به ادبیات داستانی علاقه‌مند باشند؛
 - در حوزه ادبیات داستانی تخصص داشته و با مفاهیم این حوزه آشنایی داشته باشند؛
 - با خوانندگان ادبیات داستانی در ارتباط مداوم بوده و در زمینه معرفی و نقد کتاب‌های داستانی برای خوانندگان فعالیت کنند؛
 - همچنین به دلیل پیچیدگی پرسش‌نامه تحلیل سلسله‌مراتبی، دارای انگیزه کافی برای شرکت در فرایند پژوهش باشند، به این صورت که با مسئله موردنظر درگیر بوده و احساس کنند که اطلاعات حاصل از پژوهش برای خود آن‌ها نیز سودمند خواهد بود.
- پس از تعیین نمونه‌ها و ترسیم نمودار درختی، پرسش‌نامه مقایسه زوجی بر اساس طیف ۹ درجه ساعتی طراحی شد و در اختیار افراد منتخب قرار گرفت و در نهایت میزان اهمیت و وزن هریک از عناصر متنی و پیرامنتی در بازیابی ادبیات داستانی از طریق پرسش‌نامه و با کمک نرم افزار اکسپرت چویس^۱ به دست آمد. از آنجا که مقایسه زوجی پرسش‌نامه آماری نیست و فقط یک ماتریس ریاضی است که متغیرها دویه‌دو با یکدیگر مقایسه می‌شوند، پرسش‌نامه روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره روایی و پایایی ندارند؛ اما نرخ خوبی به نام نرخ ناسازگاری وجود دارد که آن را معادل با پایایی می‌دانند. بنا بر نظر ساعتی، بنیان‌گذار روش تحلیل سلسله‌مراتبی، چنانچه نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ باشد، سازگاری ماتریس مقایسه‌ها مورد تأیید و قابل قبول است؛ اما در صورتی که نرخ ناسازگاری بزرگ‌تر از ۰/۱ باشد، نشان‌دهنده تناقض در ارزیابی‌ها و قضاوت‌های خبرگان است و در این صورت باید در قضاوت‌ها تجدیدنظر شود. به منظور کاهش نرخ ناسازگاری در این مرحله از پژوهش، علاوه بر استفاده از راهنمای تکمیل پرسش‌نامه، پژوهشگر در هنگام تکمیل پرسش‌نامه حضور پیدا کرد و ضمن تشریح اهداف پژوهش و تشریح هدفی که از تدوین هر سؤال وجود داشته است، از افراد خبره در خواست کرد تا ضمن تکمیل پرسش‌نامه نظرات خود را در خصوص پرسش‌نامه و تصحیح آن اعلام کنند. بر همین اساس، همه ماتریس‌ها از میزان ناسازگاری قابل قبولی (کمتر از ۰/۱) برخوردار بودند.

1. Expert Choice

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، ۱۴ خواننده فعال ادبیات داستانی در بازه سنی ۲۳-۶۴ سال به‌عنوان نمونه پژوهش در این مرحله شرکت کردند. از مجموع افراد شرکت‌کننده در مصاحبه، ۴ نفر (۲۸/۶ درصد) در بازه سنی ۲۰-۲۹ سال، ۳ نفر (۲۱/۴ درصد) در بازه سنی ۳۰-۳۹ سال، ۳ نفر (۲۱/۴ درصد) در بازه سنی ۴۰-۴۹ سال و ۴ نفر (۲۸/۶ درصد) در بازه سنی بالاتر از ۵۰ سال قرار داشتند. همچنین، میانگین سنی افراد شرکت‌کننده ۴۱ سال بود. از نظر تحصیلات، ۴۳ درصد از شرکت‌کنندگان دارای مدرک دیپلم و زیردیپلم و ۵۷ درصد دارای مدرک بالاتر از دیپلم بودند. همچنین، ۵۷ درصد از شرکت‌کنندگان را افراد بازنشسته و خانه‌دار و ۴۳ درصد از آن‌ها را افراد شاغل و دانشجو تشکیل می‌دادند.

پس از انجام مصاحبه با خوانندگان ادبیات داستانی، داده‌های مصاحبه با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت؛ به این ترتیب که ابتدا فایل صوتی مصاحبه‌ها در قالب فایل ورد پیاده‌سازی شده و در ادامه به‌منظور آشنا شدن با داده‌ها و ارتباط با محتوای مصاحبه‌ها همه مصاحبه‌ها یک بار با دقت مطالعه شد. در مرحله بعد، داده‌ها با کمک نرم‌افزار MAXQDA2018 کدگذاری شدند. پس از پایان کدگذاری اولیه، تعداد ۱۱۰ مضمون اولیه و با فراوانی ۴۲۳ استخراج شد. در ادامه، همه کدها و داده‌های مرتبط با آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا از ارتباط میان آن‌ها اطمینان حاصل شود. در گام بعد، با بررسی ارتباط میان کدهای شناسایی شده با سؤال‌های پژوهش، کدها استخراج، تصحیح و پالایش شد و به این ترتیب مضامین اولیه شکل گرفتند. سپس، مضامینی که با سؤال‌های پژوهش هم‌خوانی نداشتند کنار گذاشته شدند، و همچنین تعدادی از مضامین به دلیل هم‌پوشانی با یکدیگر ادغام و در برخی موارد نیز مضامین شکسته شده و به دو مضمون تبدیل شدند. در مرحله بعد، با تحلیلی دقیق از ماهیت هر مضمون، نامی مناسب و گویا متناسب با ویژگی‌های خاص هر مضمون و اهداف و سؤال‌های پژوهش برای مضامین انتخاب شد و در نهایت جمع‌بندی نهایی حاصل شد. جدول ۲ نتیجه شکل‌گیری هفت مضمون اصلی حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها را به همراه مضامین فرعی و مفاهیم اولیه نشان می‌دهد.

جدول ۲. نحوه شکل‌گیری مضامین اصلی و فرعی به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه با خوانندگان داستان

مضمون اصلی	فراوانی کد	مضامین فرعی	فراوانی کد	کدهای اولیه
اطلاعات مربوط به توصیف محتوا	۱۱۱	ویژگی‌های شخصیت	۶۱	شغل شخصیت / طبقه اجتماعی شخصیت / اخلاق و رفتار شخصیت / صفت بارز شخصیت / پررنگ‌ترین ویژگی شخصیتی / شخصیت مغرور / شخصیت صبور / توصیف شخصیت / شخصیت سادیستیک / ظاهر شخصیت / شخصیت جوان / سن شخصیت / جنس شخصیت / شخصیت نابینا / رنگ پوست شخصیت / نژاد شخصیت / پوشش شخصیت / نام شخصیت / سختی نام شخصیت
				ادبیات کشورها / منطقه جغرافیایی / مکان وقوع داستان
				زمان معاصر / زمان قاجار / دوره تاریخی / زمان وقوع داستان / دوره پهلوی
				ادبیات جنگ / داستان پلیسی / داستان عاشقانه / داستان جنایی / ژانر وحشت / داستان تاریخی / دشواری دسته‌بندی ژانری / بازدارندگی ژانر
حس و حال داستان	۷۱	فضا	۹	فضای کمونیست / فضای جنگ / توصیف فضای داستان
		سبک	۵۸	سبک نویسنده / قلم نویسنده / سبک نگارش / طرز بیان / زبان خودمانی / زبان کتابی / زبان صمیمی / زبان سخت / زبان روان / زبان ساده / پیچیده / توصیف زیاد / پراحساس
		لحن	۴	لحن شعاری / لحن تند / لحن احساسی

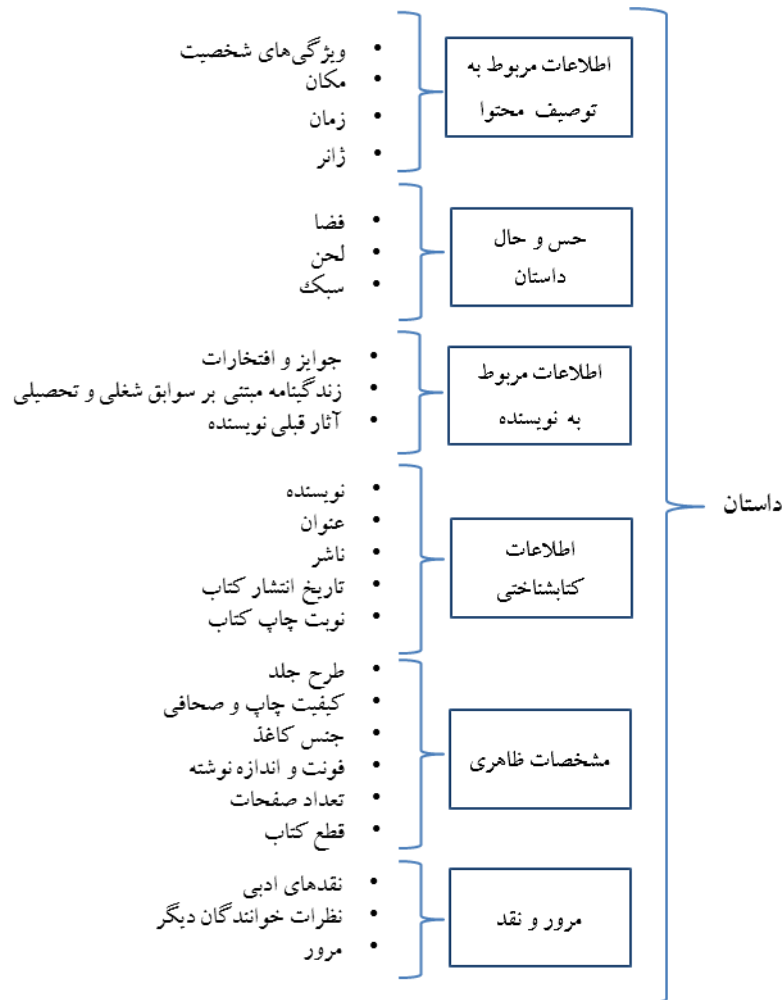
مضمون اصلی	فراوانی کد	مضامین فرعی	فراوانی کد	کدهای اولیه
اطلاعات مربوط به نویسنده	۳۸	جوایز و افتخارات نویسنده	۹	کسب جوایز ادبی
		زندگی‌نامه مبتنی بر سوابق شغلی و تحصیلی نویسنده	۱۳	زندگی‌نامه نویسنده / سرگذشت نویسنده / اطلاعات مربوط به نویسنده / شغل نویسنده / معلومات و سواد / سطح تحصیلات
		آثار قبلی نویسنده	۱۶	نوشته‌های قبلی نویسنده / تجربه‌های قبلی نویسنده
		عنوان	۲۰	عنوان / جذابیت عنوان
اطلاعات کتاب‌شناختی	۷۱	ناشر	۲۱	ناشر / اطلاعات چاپ / محبوبیت ناشر / انتخاب به‌عنوان ناشر برتر / آثار قبلی ناشر
		تاریخ انتشار	۴	تاریخ انتشار
		نوبت چاپ	۹	میزان فروش / نوبت چاپ
		طرح جلد	۱۴	ظاهر جذاب / طراحی جلد
مشخصات ظاهری	۵۰	کیفیت چاپ و صحافی	۶	کیفیت چاپ / کیفیت صحافی
		جنس کاغذ	۸	نوع کاغذ / جنس کاغذ / وزن کتاب / کیفیت کاغذ
		فونت و اندازه نوشته	۹	رسم الخط / اندازه نوشته
		تعداد صفحات	۱۰	صفحات کوتاه / حجم کتاب
		قطع کتاب	۳	قطع پالتویی / نرمال بودن قطع کتاب
		تجربه خوانندگان دیگر	۳۰	تجربه خوانندگان دیگر / نظرات کاربران / رأی افراد کتاب‌خوان / نمره‌دهی مردم / امتیاز و رتبه
		نقد ادبی	۹	نظرات افراد متخصص / نقد حرفه‌ای / نقد ادبی
تبلیغات محیطی	۵	خلاصه و مرور	۲۱	اطلاعات پشت جلد / خلاصه پشت جلد / خلاصه کتاب / مرور
		تبلیغات رسانه‌ها	۴	تبلیغات / توصیه رسانه‌ها
		توصیه دوستان و آشنایان	۱	توصیه دوستان

بر اساس جدول ۲، محتوای مصاحبه با خوانندگان داستان در قالب ۶ مضمون اصلی دسته‌بندی شده است که فراوانی و درصد فراوانی هر کدام از این مضامین به شرح زیر است:

- اطلاعات مربوط به توصیف محتوا: از مجموع گویه‌های استخراج‌شده، ۱۱۱ گویه (۲۶ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.
- حس و حال داستان: از مجموع گویه‌های استخراج‌شده، ۷۱ گویه (۱۷ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.
- اطلاعات کتاب‌شناختی: از مجموع گویه‌های استخراج‌شده، ۷۱ گویه (۱۷ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.
- مرور و نقد: از مجموع گویه‌های استخراج‌شده، ۶۰ گویه (۱۴ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.
- مشخصات ظاهری: از مجموع گویه‌های استخراج‌شده، ۵۰ گویه (۱۲ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.
- اطلاعات مربوط به نویسنده: از مجموع گویه‌های استخراج‌شده، ۳۸ گویه (۹ درصد) از بیانات مصاحبه‌شوندگان به این مضمون اشاره داشت.

از بین مضامین استخراج‌شده، دو مضمون «اطلاعات مربوط به توصیف محتوا» و «حس و حال داستان» جزء عناصر متنی محسوب می‌شوند. اطلاعات مربوط به توصیف محتوا دربرگیرنده ویژگی‌های شخصیت، مکان، زمان و ژانر است. فضا، لحن و سبک نیز مضامین فرعی مربوط به حس و حال داستان را تشکیل می‌دهند. همچنین، چهار مضمون «اطلاعات مربوط به نویسنده»، «اطلاعات کتاب‌شناختی»، «مشخصات ظاهری» و «مرور و نقد» جزء عناصر پیرامنتی بودند. اطلاعات مربوط به نویسنده دربرگیرنده جوایز و افتخارات کسب‌شده توسط نویسنده، زندگی‌نامه مبتنی بر سوابق شغلی و تحصیلی و آثار قبلی نویسنده است. اطلاعات کتاب‌شناختی به نام نویسنده، عنوان، نام ناشر، تاریخ انتشار و نوبت چاپ اشاره دارد. همچنین، طرح جلد، کیفیت چاپ و صحافی، جنس کاغذ، فونت و اندازه نوشته، تعداد صفحات و قطع کتاب، مضامین فرعی مشخصات ظاهری را تشکیل می‌دهند و مرور و نقد نیز دربردارنده خلاصه و مرور، نقدهای ادبی و تجربه‌های خوانندگان دیگر است.

شکل ۱ شبکه مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌های کیفی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. شبکه مضامین استخراج شده از تحلیل داده‌ها

در مرحله بعد، به منظور اولویت‌بندی و به دست آوردن وزن هریک از عناصر متنی و پیرامنی از مقایسه زوجی استفاده شد و عناصر موجود بر اساس طیف ۹ درجه ساعتی به صورت دویه دو با هم مقایسه شدند؛ به این صورت که برای هر سطح از سلسله مراتب یک پرسش‌نامه تهیه شد. سطح اول سلسله مراتب را معیارهای اصلی و سطح دوم را زیرمعیارها تشکیل داده بودند. در سطح اول، معیارها به صورت زوجی با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفتند. پس از مشخص شدن

تحقیقات اطلاعاتی و کتابخانه‌های عمومی

شناسایی و رتبه‌بندی عناصر متنی و پیرامنتی مهم در بازیابی داستان

میزان اهمیت هریک از این معیارها بر اساس نظر خبرگان، داده‌ها به کمک نرم‌افزار اکسپرت چویس وزن‌دهی شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. نرخ ناسازگاری این ماتریس برابر با ۰/۰۴ است و بنابراین سازگاری آن مورد قبول است.

جدول ۳. ماتریس مقایسه زوجی معیارهای اصلی

اطلاعات کتاب شناختی	اطلاعات مربوط به توصیف محتوا	حس و حال داستان	مرور و نقد	مشخصات ظاهری کتاب	اطلاعات مربوط به نویسنده
اطلاعات کتاب شناختی	۴/۳۰۳۴۷	۵/۳۸۰۶۲	۲/۸۹۲۵۵	۲/۶۲۰۷۴	۳/۴۰۹۱۸
اطلاعات مربوط به توصیف محتوا		۲/۲۱۷۴	۲/۳۱۹۵۹	۴/۳۰۸۸۷	۳/۷۵۲۲۹
حس و حال داستان			۱/۲۵۹۹۲	۴/۹۳۹۳۶	۲/۹۶۰۹۹
مرور و نقد				۵/۳۱۰۶۶	۳/۳۶۴۸۵
مشخصات ظاهری کتاب					۲/۲۸۹۴۳
اطلاعات مربوط به نویسنده					
Incon: ۰/۰۴					

بر اساس ماتریس مقایسه زوجی معیارهای اصلی، نتایج به دست آمده برای اولویت‌بندی معیارهای اصلی در نمودار ۱ نشان داده شده است.

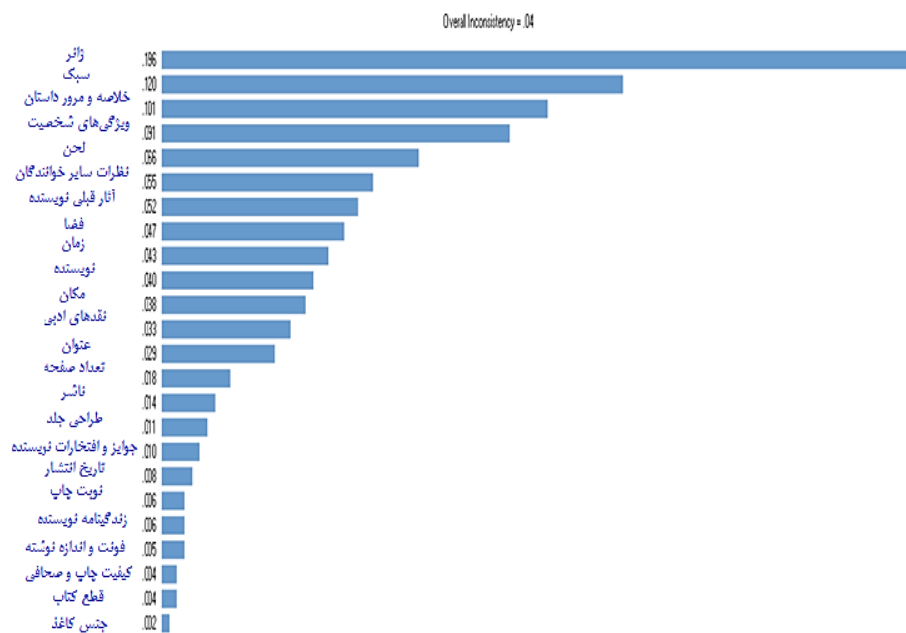


نمودار ۱. اولویت‌بندی و وزن نهایی معیارهای اصلی

همان طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، بر اساس نظر خبرگان، اطلاعات مربوط به توصیف محتوا با وزن ۰/۳۶۹، حس‌وحال داستان با وزن ۰/۲۳۲ و مرور و نقد با وزن ۰/۱۸۹ به ترتیب بیشترین وزن را به خود اختصاص داده‌اند؛ همچنین، معیار ویژگی‌های ظاهری کتاب با وزن ۰/۰۴۴ کمترین وزن را در میان معیارهای اصلی به خود اختصاص داده است.

بخش دوم پرسش‌نامه به منظور مقایسه زوجی بین زیرمعیارها (عناصر متنی و پیرامنی) طراحی شده بود و افراد شرکت‌کننده در این مرحله از پژوهش باید از بین طیف موجود در هر مقایسه زوجی یکی را انتخاب می‌کردند. پس از تکمیل پرسش‌نامه توسط خبرگان، داده‌ها به کمک نرم‌افزار اکسپرت چویس وزن‌دهی شد که نتایج آن در نمودار ۲ آمده است.

Combined instance – Synthesis with respect to: Goal: weighting elements



نمودار ۲. اولویت‌بندی و وزن نهایی زیرمعیارها

بر اساس نمودار ۲، وزن نهایی و نتایج کلی حاصل از اولویت‌بندی زیرمعیارها توسط متخصصان شرکت‌کننده در مصاحبه نشان می‌دهد که به ترتیب ژانر با وزن ۰/۱۹۶ بالاترین و نوع کاغذ با

وزن ۰/۰۲ پایین‌ترین اولویت را در میان زیرمعیارها به خود اختصاص داده‌اند. همان‌طور که در خروجی نرم‌افزار مشاهده می‌شود، ضریب ناسازگاری کلی برابر با ۰/۰۴ است و این امر نشان می‌دهد که سازگاری آن قابل قبول است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عناصر متنی و پیرامنتی تأثیرگذار در بهبود بازیابی داستان از دیدگاه خواننده انجام گرفت تا ویژگی‌هایی از داستان را شناسایی کند که منعکس‌کننده نیاز خوانندگان داستان هستند و به آن‌ها در بازیابی بهتر داستان کمک می‌کنند. بر اساس یافته‌ها، توصیف محتوای داستان از طریق ویژگی‌های شخصیت، مکان، زمان و ژانر به خوانندگان در بازیابی بهتر داستان کمک می‌کنند. بر اساس نظر خبرگان، ژانر در مقایسه با سایر عناصر توصیف‌کننده محتوای داستان، دارای اولویت بالاتری است و به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر متنی می‌تواند به خواننده در بازیابی بهتر داستان کمک کند. بنابراین، با وارد کردن عنصر ژانر در فهرست‌های کتابخانه‌ها و فراهم کردن این نوع دسترسی برای خوانندگان، این امکان وجود دارد که خوانندگان بتوانند به صورت کارآمدتر و با استقلال بیشتری آنچه را که جست‌وجو می‌کنند بیابند. با این حال، مطالعه ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از دسته‌بندی ژانر در کتابخانه‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو است (ویسبرگ^۱، ۲۰۱۳؛ ساریکس^۲، ۲۰۰۹؛ تروت^۳ و نوواک^۴، ۲۰۰۶). بنابراین، ضرورت دارد که پژوهشگران علم اطلاعات بحث دسته‌بندی ژانری را بیشتر مورد توجه قرار دهند و در راستای رفع چالش‌هایی که در خصوص استفاده از ژانر در کتابخانه‌ها وجود دارد تلاش کنند. از آن جمله می‌توان به رفع ابهام ذاتی نام‌گذاری ژانرها، رسیدن به توافق جمعی بر سر مشخصات ژانرها و تفکیک میان ژانرهای مختلف، توسعه سرعنوان‌های موضوعی در حوزه داستان و استفاده از کلیدواژه‌های بیشتر برای رفع دشواری در تصمیم‌گیری در قرار دادن کتاب در یک ژانر خاص اشاره کرد.

با وجودی که در بیشتر پژوهش‌های قبلی نظیر آدکینز و بوسالر (۲۰۰۷) و سارتی (۲۰۰۰) بر عناصر توصیف‌کننده محتوای داستان تأکید شده و از آن‌ها به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌هایی از داستان یاد شده است که می‌تواند برای توصیف محتوای داستان و بهبود دسترسی به داستان به

1. Weisburg 2. Saricks 3. Trott 4. Novak

کار گرفته شود، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، از نظر خوانندگان، سبک، لحن و فضا به عنوان عناصر توصیف کننده حس و حال داستان نیز در بهبود بازیابی داستان تأثیر دارند. در واقع، همان طور که سارتی (۲۰۱۹) نیز بیان کرده است، بیشتر خوانندگان داستان فقط به دنبال داستانی خوب و تجربه احساسی خاصی هستند که از خواندن داستان می‌خواهند به دست بیاورند. گاهی تأثیر این حس خوب می‌تواند به اندازه‌ای باشد که خواننده را تشویق به ادامه خواندن کند یا در انتخاب کتابی که فضای آن مطابق با حال و هوای خواننده باشد کمک کند. بنابراین، ارائه سبک، لحن و فضای داستان در فهرست‌های کتابخانه و در نرم‌افزارهای جست‌وجو و بازیابی کتابخانه به منظور بهبود دسترسی به داستان برای خواننده ضروری است.

جدا از عناصر توصیف کننده محتوا و حس و حال داستان به عنوان عناصر متنی، برخی از عناصر پیرامنی برای خوانندگان داستان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که در اکثر موارد، مخاطب بیشتر از آنکه با متن اصلی در ارتباط باشد با پیرامتن‌های آن در تماس است و متن موردنظرش را از میان انبوه پیرامتن‌ها انتخاب می‌کند. بنابراین، توجه به این عناصر برای کمک به خواننده برای بازیابی بهتر داستان ضرورت دارد. تأکید بر نقش پیرامتن در بازیابی و انتخاب داستان از این نظر اهمیت دارد که می‌تواند دامنه یک اثر و تصمیم خوانندگان در خصوص اینکه با اثر درگیر شوند یا خیر را آشکار کند. خواننده با استفاده از این عناصر می‌تواند بدون نیاز به تحلیل عمیق خود اثر بینشی در خصوص منابع و اطلاعاتی که یک اثر فراهم می‌کند به دست آورده و ارزیابی‌ای اولیه از اعتبار اثر به عمل آورد. به عبارت دیگر، پیرامتن به خواننده در یافتن یک اثر خاص و تمایز یک اثر از آثار دیگر کمک می‌کند. اگرچه بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش برخی از پیرامتن‌ها نظیر ویژگی‌های ظاهری کتاب و اطلاعات مربوط به نویسنده در بازیابی داستان برای خوانندگان اهمیت چندانی ندارند، یافته‌ها نشان از اهمیت انکارناپذیر برخی دیگر از عناصر پیرامنی در بازیابی کتاب‌های داستانی دارد. از آن جمله می‌توان به مرورها و نقدهای نوشته شده درباره داستان اشاره کرد که سومین اولویت را در میان مضامین اصلی شناسایی شده به خود اختصاص داده‌اند. اطلاعاتی که در خلاصه‌ها و مرورهای نوشته شده درباره داستان ارائه می‌شود می‌تواند برای خواننده‌ای که تنها به دنبال کتابی خوب برای خواندن است سودمندتر باشد. در واقع، همان طور که تیلور (۲۰۱۲) نیز بیان کرده است،

زمانی که خواننده به دنبال یک کتاب خوب می‌گردد به دنبال تجربه‌هاست و مرورها و تگ‌هایی که توسط سایر کاربران ایجاد می‌شود این تجربه‌ها را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. اهمیت مرورها و نقدهایی که درباره اثر نوشته می‌شود توسط پژوهشگران دیگری نظیر اسپیری و پکوسکی (۲۰۱۶) و آدکینز و بوسالر (۲۰۰۷) نیز تأیید شده است. همان طور که در این پژوهش‌ها نیز آمده است، مرورها و نقدهایی که درباره اثر نوشته می‌شود به جست‌وجوگران داستان این امکان را می‌دهد که اطلاعاتی درباره تجربه‌ها، احساسات و تعاملات خوانندگان دیگر به دست آورند. در واقع، می‌توان گفت برخلاف اطلاعات کتاب‌شناختی نظیر نویسنده، عنوان و ناشر که بهترین نقاط دسترسی را برای خواننده‌ای که کتابی خاص از نویسنده‌ای خاص در ذهن دارد فراهم می‌کنند، مرورها و نقدهای نوشته‌شده درباره داستان برای جست‌وجوگرانی کارآمد است که کتاب خاصی در ذهن ندارند و فقط به دنبال کتابی خوب برای خواندن هستند. با توجه به اینکه مرورها و خلاصه‌های داستان سومین اولویت و نقدها و نظرات خوانندگان دیگر درباره داستان ششمین اولویت را در میان ۲۴ عنصر شناسایی شده در این پژوهش به خود اختصاص داده‌اند، لازم است این عناصر به عنوان بخشی از توصیف محتوای داستان در فهرست‌های کتابخانه مورد استفاده قرار گیرد تا به خواننده در بازیابی بهتر داستان کمک کند. به طور کلی، بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، مجموعه‌ای از عناصر متنی و پیرامنتی در بهبود بازیابی داستان تأثیر دارند. از آنجا که بر اساس پژوهش‌های پیشین (میکونن و واکاری، ۲۰۱۶؛ کولن و همکاران، ۲۰۱۵؛ واکاری و همکاران، ۲۰۱۴؛ پوننین و واکاری، ۲۰۱۳)، فراهم کردن فهرست‌های کتابخانه‌ای غنی شده و نقاط دسترسی بیشتر برای بازیابی داستان به جست‌وجوگران در یافتن کتاب‌های داستانی مرتبط کمک می‌کند؛ استفاده از این عناصر در غنی‌تر کردن فراداده‌های فهرست‌های کتابخانه‌ها و نیز به کاربرد آن‌ها در توسعه نظام‌های جست‌وجو و بازیابی موجب افزایش کارایی این نظام‌ها شده و امکان جست‌وجو و بازیابی موفق داستان برای جست‌وجوگران داستان را فراهم می‌کند.

منابع

حبیبی، آرش؛ ایزدی‌ار، صدیقه؛ و سرافرازی، اعظم (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چندمتغیره فازی. سیمای دانش.

میرصادقی، جمال (۱۳۹۴). ادبیات داستانی. نشر سخن.
میرصادقی، جمال (۱۳۹۵). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. کتاب مهناز.

References

- Adkins, D., & Bossaller, E. (2007). Fiction access points across computer-mediated book information sources: A comparison of online bookstores, reader advisory databases, and public library catalogs. *Library & Information Science Research*, 29(3), 354-368.
- Beghtol, C. (1994). *The Classification of Fiction: The development of a system based on theoretical principles*. London: Scarecrow.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Creswell, J. W., Plano Clark, V. L., Gutmann, M. L., & Hanson, W. E. (2003). An expanded typology for classifying mixed methods research into designs. A. A. Tashakkori y C. Teddlie, *Handbook of mixed methods in social and behavioral research*, 209-240.
- Dali, K. (2014). From book appeal to reading appeal: Redefining the concept of appeal in readers' advisory. *The Library Quarterly*, 84(1), 22-48.
- de Moraes, E., & Batista, J. (2012). Aboutness in fiction: Methodological Perspectives for Knowledge Organization. *Categories, Contexts and Relations in Knowledge Organization*, 13(1), 242-248.
- Genette, G. (1997). *Paratexts: Thresholds of interpretation*. Cambridge University Press.
- Habibi, A., Izadyar, S., & Sarafrazi, A. (2014). *Fuzzy multivariate decision-making*. Simaye Danesh. (in Persian)
- Koolen, M., Bogers, T., Van Den Bosch, A., & Kamps, J. (2015, March). Looking for books in social media: An analysis of complex search requests. In *European Conference on Information Retrieval* (pp. 184-196). Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-16354-3_19.
- Mikkonen, A., & Vakkari, P. (2016). Finding fiction: Search moves and success in two online catalogs. *Library & Information Science Research*, 38(1), 60-68.
- Mirsadeghi, Ja. (2015). *Fiction*. Sokhan Publishing House. (in Persian)
- Mirsadeghi, J. (2016). A dictionary of art of fiction writing. Ketab-e Mahnaz. (in Persian)
- Ooi, K., & Liew, C. L. (2011). Selecting fiction as part of everyday life information seeking. *Journal of Documentation*, 67(5), 748-772.
- Reuter, K. (2007). Assessing aesthetic relevance: Children's book selection in a digital library. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 58(12), 1745-1763.
- Saarinen, K., & Vakkari, P. (2013). A sign of a good book: readers' methods of accessing fiction in the public library. *Journal of Documentation*, 69(5), 736-754.

- Saricks, J. (2009). *The Readers' Advisory Guide to Genre Fiction* (2nd ed.). American Library Association.
- Saarti, J. (2000). Taxonomy of novel abstracts based on empirical findings. *Knowledge Organization*, 27(4), 213-220.
- Saarti, J. (2019). Fictional Literature, Classification and Indexing. *Knowledge Organization*, 46(4), 320-332.
- Šauperl, A. (2013). Four views of a novel: Characteristics of novels as described by publishers, librarians, literary theorists, and readers. *Cataloging & Classification Quarterly*, 51(6), 624-654.
- Spiteri, L. F., Pecoskie, J., & Tarulli, L. (2016). In the readers' own words: how user content in the catalog can enhance readers' advisory services. *Reference and User Services Quarterly*, 56(2), 91-95.
- Trott, B., & Novak, V. (2006). A house divided? Two views on genre separation. *Reference & User Services Quarterly*, 46(2), 33-38.
- Vakkari, P., & Pöntinen, J. (2015, June). Result List Actions in Fiction Search. In *Proceedings of the 15th ACM/IEEE-CS Joint Conference on Digital Libraries* (pp. 7-16). <http://dx.doi.org/10.1016/j.lisr.2007.03.004>.
- Vakkari, P., Luoma, A., & Pöntinen, J. (2014, August). Books' interest grading and dwell time in metadata in selecting fiction. In *Proceedings of the 5th Information Interaction in Context Symposium* (pp. 28-37). <https://doi.org/10.1145/2637002.2637008>.
- Weisburg, H. K. (2013). The Dewey debate. *Knowledge Quest*, 42(2), 8-10.